



پدیده کودکان خیابانی نماد تداوم فقر و محرومیت در اجتماع

سال‌هاست پیرامون موضوع کودکان خیابانی و علل و عوامل ظهور و تداوم آن در شهرهای بزرگ کشور نظریه‌های مختلف و نیز راه‌حل‌های مختلف مطرح شده و می‌شود. می‌توان گفت به یمن اطلاع‌رسانی ...

سال‌هاست پیرامون موضوع کودکان خیابانی و علل و عوامل ظهور و تداوم آن در شهرهای بزرگ کشور نظریه‌های مختلف و نیز راه‌حل‌های مختلف مطرح شده و می‌شود. می‌توان گفت به یمن اطلاع‌رسانی نه چندان مطلوب رسانه‌های نوشتاری و بعضاً شنیداری و دیداری و تلاش و اهتمام نیک‌اندیشان و آینده‌نگران ابعاد این مساله نامیمون اجتماعی و عوارض و نتایج بد اجتماعی آن بر همگان آشکار شده است. در این راستا کودک و حقوق اولیه شهروندی او در برخورداری از انواع خدمات اجتماعی و رفاهی کم و بیش پذیرفته شده است.

سلامت نیوز: سال‌هاست پیرامون موضوع کودکان خیابانی و علل و عوامل ظهور و تداوم آن در شهرهای بزرگ کشور نظریه‌های مختلف و نیز راه‌حل‌های مختلف مطرح شده و می‌شود. می‌توان گفت به یمن اطلاع‌رسانی نه چندان مطلوب رسانه‌های نوشتاری و بعضاً شنیداری و دیداری و تلاش و اهتمام نیک‌اندیشان و آینده‌نگران ابعاد این مساله نامیمون اجتماعی و عوارض و نتایج بد اجتماعی آن بر همگان آشکار شده است. در این راستا کودک و حقوق اولیه شهروندی او در برخورداری از انواع خدمات اجتماعی و رفاهی کم و بیش پذیرفته شده است.

اما در قبال پایان دادن به وضعیت اسفبار این گروه اجتماعی به‌ویژه در حوزه عمومی جامعه و حداقل کاهش تعداد و دامنه حضور آنها به نظر نمی‌رسد موفقیت‌چندانی تاکنون حاصل شده باشد. هنوز هم شهروندان ساکن در شهرهای بزرگ اعم از سواره یا پیاده شاهد و ناظر نگاه‌های ملتزمانه یک دختر خردسال برای فروش یک قلم کبریت یا عجز و لابه دیگری در پاك کردن شیشه اتومبیل و تقاضای کمک مالی هر چند نازل آنها هستند. راستی این کودکان متعلق به چه خانواده یا اقشار اجتماعی‌اند؟

چرا آنان که در سن فراگیری اجباری تحصیل و در موقعیت پرورش و آموزش قرار دارند، این‌گونه در معابر و فضاهای شهری اعم از فضاهای پر امن و ناامن به حال خود رها شده و خسته، بیمار، فروریخته، طرد شده، زار و ترکیده در جست‌وجوی دریافت کمک از رهگذران هستند. چرا آنان به جای زندگی در کنار خانواده و انجام بازی‌های کودکانه یا شاد و امیدوار همانند کودکان در اقشار برخوردار در خیابان رها شده و هر روز و هر شب در آستانه ارتکاب اشکالی از بزه در محیط قرار دارند؟

راستی اینان کیستند و از چه شخصیت و موقعیتی به لحاظ اجتماعی و روان‌شناختی برخوردارند؟ اینان بخشی از جمعیت انسانی ساکن در کشور ما محسوب می‌شوند که بنا بر ده‌ها دلیل شرعی و قانونی استحقاق توجه و رسیدگی از هر جهت را دارند. کودکان خیابانی، فرزندان زنان و مردانی هستند که به هر دلیل موجه یا ناموجه نتوانستند امکانات اولیه رشد و تربیت آنان را فراهم کنند.

زنان و مردانی که آنان نیز به دلایل مختلف اجتماعی دچار محرومیت اقتصادی و اجتماعی شده و قادر به اداره امور خود نیستند.

برخلاف تصور برخی، این کودکان نه از نوع دختران و پسرانی هستند که فاقد درک و هوش و احساس متعارف باشند بلکه برعکس بسیاری از آنان از قابلیت درک و دریافت و هنر فوق‌العاده برخوردارند. همین موضوع سبب می‌شود راست آزمایی از وضعیت پیرامونی آنان و دریافت اطلاعات لازم از پیشینه خانوادگی و محیطی آنان برای محققان اجتماعی بسیار دشوار باشد. نهادهای مختلف اجتماعی اعم از رسمی و غیررسمی نمی‌توانند نسبت به ظرفیت و توانمندی بالقوه این گروه بی‌تفاوت باشند.

کودکان خیابانی یا کودکان کار خیابانی یا کودکان طردشده اجتماعی و با هر عنوان دیگر نمادی از گستره انواع مختلف از اختلالات و به هم پاشیدگی در سطح نخست خانواده سپس نظام حمایتی خویشاوندی و در نهایت سطوح مختلف اجتماعی است. این وضعیت بیان از واقعیت تلخ محرومیت عمیق اجتماعی، اقتصادی و عاطفی در درون نهادهای اجتماعی است.

به اعداد و رقم این قربانیان نمی‌توان چندان اطمینان داشت؛ مهم از منظر اجتماعی حضور این بخش از نیروی انسانی آینده‌ساز در

فضاهای عمومی در کسوت و شمایل تهدیدکننده اجتماعی است. این پیش فرض به دلایل متعدد قابل اثبات است که خوی و خصلت افراد از نوع بزهکاران حرفه‌ای، ورشکستگان شخصیتی، بیماران عمیق روحی، قاتلان و تبهکاران در فردای جامعه در اینچنین وضعیتی بهتر و کامل‌تر شکل گرفته و تکمیل می‌شود.

گذشته از آن زنگ خطر آن هنگام بیشتر به صدا در می‌آید که آنچه مشاهده می‌شود، حضور قابل رویت بخشی از جمعیت دچار فقر و محرومیت اجتماعی و اقتصادی است که حداقل امکان خروج از خانه یا آبادی و دیار خود را داشته است.

ماجرای تلخ عدم مشاهده بخش بزرگ‌تر از این جمعیت در نهان خانه‌ها و خانواده‌هاست. کودکانی که به دلایل مختلف اعم از بی‌سرپرستی، بدسرپرستی، اعتیاد، فقر و از کار افتادگی والدین، اختلال درون خانواده، محرومیت عاطفی و اجتماعی در شرایطی مشابه قرار داشته اما بنا به دلایلی نمی‌توانند یا نمی‌خواهند در معابر شهر حاضر شوند. توجه به این موضوع در هر دو سطح بیان از تداوم آسیب اجتماعی در سطح نظام خانواده و اجتماع است.

زمان آن است که نهادهای اجتماعی در سطح کلان در سطوح سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی به حل و فصل مشکلات عدیده افشار آسیب‌پذیر جامعه از جمله کودکان خیابانی بپردازند. حل مشکل این دسته از جمعیت مددجو مستلزم بازاندیشی در خط مشی‌ها و سیاست‌هاست.

تداوم این وضعیت نشانگر عدم موفقیت بسیاری از طرح‌های رفاهی و خدماتی است که نوعاً به نام مردم و برای مردم اعلام می‌شود. اما در واقعیت نتایج به‌گونه‌ای دیگر مشاهده می‌شود. نخستین و آشکارترین تاثیر موفقیت‌آمیز این نوع طرح‌ها کاهش محرومیت اجتماعی و اقتصادی در سطوح فرودست اجتماعی و بالا از آن کاهش تعداد و رقم کودکان خیابانی خواهد بود. گویا تا این مرحله از کار تدابیر بلند، تلاش‌های بسیار و اراده‌های استوارتری نیاز امروز جامعه ماست.
منبع: روزنامه شرق